



در محضر بزرگان تشکیلات

خلاصه ای از اندیشه های تشکیلاتی امام خمینی (ره)،
امام خامنه ای (مدظله) و شهید بهشتی (ره)



بستری برای به اشتراک گذاشتن مطالب ناب تشکیلاتی

www.mezmar.ir

@mezmar_ir



مقدمه

در مبارزات و جنبش های تاریخ معاصر ایران، روحانیون همواره نقش موثر و تعیین کننده ای داشتند. بطوری که در اغلب موارد رهبری این جنبش ها یا به دست خود روحانیون بود و یا نقش موثر و هم طراز با دیگران ایفا نموده اند. برای نمونه می توان از جنبش تنباکو، انقلاب مشروطه و نهضت ملی شدن صنعت نفت ایران نام برد که قشر روحانی در همه اینها از رهبران اصلی حرکت به شمار می رفتند.

انقلاب اسلامی ایران را می توان نمونه کامل و اثربخش ایفای نقش روحانیون در جایگاه رهبری و هدایت مردم دانست. به همین منظور تامل و واشکافی شخصیت های برجسته این جریان تحت عنوان الگوهای تشکیلاتی یکی از راه های تربیت تشکیلاتی افراد مبتنی بر

آموزه های اسلامی است. بر همین اساس سعی بر آن شد که در ششمین جزوه از سلسله جزوات دین تشکیلاتی، جزوه ای مستقل را تحت عنوان «در محضر بزرگان تشکیلات»، آماده کنیم تا از کلمات و سخنان ارزشمند آنها بهره ببریم.

البته این نکته قابل توجه است که در اینجا صحبت های بزرگانی چون حضرت امام خمینی (ره)، امام خامنه ای (مد ظله) و شهید بهشتی (ره) در زمینه کار تشکیلاتی به صورت اجمالی رصد شده و در قالب یک جزوه به شما عرضه شده است؛ حال آنکه محققان و اندیشه ورزان می توانند اندیشه های تشکیلاتی هر کدام از آنها را در قالب تحقیقی مستقل مورد مذاقه قرار بدهند.

پایگاه مضماری

فصل اول: اندیشه تشکیلاتی امام خمینی (ره)

به طور کلی، اندیشه‌ی امام خمینی (ره) درباره‌ی فعالیت حزبی و کار تشکیلاتی تا پیش از - پیروزی انقلاب اسلامی رویکردی سلبی داشت؛ زیرا احزاب تا آن زمان خاستگاهی مردمی نداشتند و رهبر انقلاب اسلامی با آگاهی از این مطلب همواره به فعالیت غیرمشروع احزاب در ایران انتقاد داشت^۱. ایشان در جایی می‌گویند: «اصل این احزابی که در ایران از صدر مشروطیت پیدا شده است، آنکه انسان می‌فهمد این است که این احزاب ندانسته به دست دیگران پیدا شده است و بعضی از

^۱مطالب این قسمت برگرفته از تحقیق آقای سید نوید موسوی گرفته شده از سایت تحلیلی تبیینی برهان (borhan.ir) است.

آن‌ها خدمت به دیگران کرده‌اند. من این طور احتمال می‌دهم که در سایر ممالک آن‌ها احزابی درست کردند برای به دام انداختن ممالک عقب‌افتاده و ممالکی که می‌خواستند از آن‌ها استفاده بکنند و یکی از راه‌هایی که موجب این می‌شود که اختلاف پیدا بشود و مردم با هم در یک مسائلی مجتمع نشوند، قضیه‌ی احزاب بوده است.^۲

اساساً فعالیت احزاب پیش از انقلاب در نگاه امام ریشه‌ای استعماری داشته و هرگز در راستای منافع امت اسلام و ملت ایران پیش نرفته است. امام خمینی می‌گویند: «قدرت‌های بزرگ برای اینکه نگذارند ایرانی با هم باشد، با یک نقشه‌ی شیطانی یک حزب را درست کرده و اسمش را این گذاشته و حزب دیگر را در درست کرده و اسمش را آن گذاشته. این حزب با آن حزب دشمن و آن حزب با این حزب دشمن است... یکی از راه‌های استفاده‌ی غرب از ما و استفاده‌ی آمریکا و شوروی از مخازن ممالک ماها، همین است که در بطن جامعه‌ی ما... از طرق مختلف، اختلاف درست می‌کنند، غارت می‌کنند و کسی هم نیست تا حرف بزند، برای اینکه یک فکر واحد نیست، افکار متشتت و مختلف است»^۳.

به همین منظور امام خمینی، به‌عنوان یک فقیه، موضع خود را در برابر

^۲ صحیفه‌ی امام، ج ۵، ص ۲۷۴ تا ۲۷۶

^۳ همان، ج ۴، ص ۲۳۵

احزاب دولتی و غیرمردمی بیان می کنند و می گویند: «ایران تنها کشوری است که حزبی به امر ملوکانه تأسیس کرده و ملت مجبور است وارد آن شود، و هر کس از این امر تخلف کند، سرنوشت او یا حبس و شکنجه و تبعید و یا از حقوق اجتماعی محروم شدن است.»^۴ بنابراین استبداد پهلوی از دیدگاه امام با چند پاره کردن جامعه توسط احزاب دست نشانده عاملی در تضعیف نیروهای مردمی و تقویت ساختار مستبدانه ی حکومتی به شمار می رفت.

مشاهده می شود که حضور حزب دولتی و غیردولتی رستاخیز به شدت مورد مخالفت امام قرار می گیرد و ایشان تشکیل این حزب و اجبار در عضویت آن را دلیلی بر خفقان رژیم شاه می دانست که از این طریق رژیم قصد داشته قوه ی مقاومت مردم در مقابل حکومت را به کلی سلب نماید، بنابراین این حزب را مخالف اسلام و مصالح ملت ایران می دانست و شرکت در آن را حرام شرعی اعلام کرد: «نظر به مخالفت این حزب با اسلام و مصالح ملت مسلمان ایران، شرکت در آن بر عموم ملت حرام و کمک به ظلم و استیصال مسلمین است و مخالفت با آن از روشن ترین موارد نهی از منکر است.»^۵

البته دیدگاه امام درباره ی احزاب غیرمردمی این گونه بوده است،

^۴ همان، ج ۳، ص ۷۲

^۵ همان، ج ۳، ص ۷۱

چنان‌که متأثر از جریان انقلابی راه افتاده، دیدگاه امام خمینی نسبت به احزاب تغییر کرده و این بار شکل‌گیری احزاب مردمی مورد تأکید قرار می‌گیرد و در عین حال، همان نگرانی برای فعالیت احزاب غیراسلامی و وابسته به خارج همچنان در اندیشه‌ی امام دیده می‌شود. بنابراین در آستانه‌ی پیروزی انقلاب و در آبان ماه سال ۱۳۵۷، امام فعالیت احزاب و گروه‌های سیاسی را آزاد اعلام کرد. از همان ابتدا ایشان این آزادی را محدود به گروه یا حزب خاصی نکرد و حتی این آزادی را برای احزاب سیاسی مخالف شاه، که غیراسلامی بودند، نیز محترم شمرد. منتهی فعالیت احزاب را منوط به مَضَر نبودن فعالیت آن‌ها دانست. امام در پاسخ سؤال خبرنگاری که پرسیده بود: «در نظام آینده‌ی ایران نقش احزاب سیاسی مخالف شاه، که غیراسلامی هستند، چیست؟» فرمود: «فعالیت‌های احزاب اگر چنانچه مَضَر نباشند، آزاد است»^۶ و در جایی دیگر تأکید دارند «در چهارچوب جمهوری اسلامی تمامی احزاب می‌توانند آزادانه اظهار نظر بکنند، ولی خراب‌کاری در امور سیاسی را تحمل نخواهیم کرد».^۷

در نهایت، آنچه از رفتار و عمل حزبی در اندیشه‌ی امام برجستگی دارد، حرکت نیروهای متعهد به طور سازمان‌یافته در قالب احزاب الهی

^۶ همان، ج ۴، ص ۴۳۲

^۷ همان، ج ۹، ص ۲۹۷

و انقلابی است که باید با وحدت و یک صدا در راستای پیشبرد اهداف انقلاب اسلامی حرکت کنند. ایشان تأکید می‌کنند: این اسم‌ها را کنار بگذارید و همه با هم بشوید و یک اسم داشته باشید و اتفاق کلمه داشته باشید،^۸ اگر در یک ملتی اختلاف سلیقه نباشد، این ناقص است. اگر در یک مجلسی اختلاف نباشد، این مجلس ناقصی است. اختلاف باید باشد، اختلاف سلیقه، اختلاف رأی، مباحثه، جار و جنجال این‌ها باید باشد، لکن نتیجه این نباشد که ما دو دسته، بشویم... باید دو دسته باشیم و در عین حالی که اختلاف داریم، دوست هم باشیم.^۹ بر این اساس، وحدت نیروهای اسلامی و انقلابی با وجود اختلاف دیدگاه‌ها مورد تأکید رهبر انقلاب قرار می‌گیرد و کار حزبی با پیش شرط حفظ وحدت نیروهای انقلاب مورد پذیرش قرار می‌گیرد.

بنا بر آنچه گفته شد، مشاهده می‌شود که امام خمینی (ره) با فهم ضرورت کار تشکیلاتی در قالب جمعیت‌های سیاسی مردمی و با نظارت علما همواره بر نوعی همکاری و تعاون در میان نیروهای انقلابی تأکید داشت و با نزدیک کردن نیروهای اصیل انقلاب به سمت هم و در یک راستا قرار دادن آن‌ها، استراتژی منظمی را برای هدایت جریان‌های سیاسی در کشور طراحی کرد. امام خمینی (ره) با حمایت

^۸ همان، ج ۵، ص ۲۷۸

^۹ همان، ج ۲۱، ص ۴۷

مستقیم از نیروهای اصیل انقلاب اسلامی به تدریج ماهیت نیروهای منحرف را بر ملا ساخت و پیروزی تمام عیار انقلاب اسلامی را رقم زد. در نهایت، از تشکیل مؤتلفه‌ی اسلامی تا تأسیس حزب جمهوری اسلامی روندی صعودی در تاریخ همگرایی نیروهای انقلابی مشاهده می‌شود و این همگرایی بیش از هر چیز مدیون رهبری واحد و یک‌پارچه امام خمینی (ره) است که سبب می‌شود نیروهای انقلابی در زیر چتر فرمان‌دهی ایشان با یکدیگر به همکاری بپردازند و با وجود دسیسه‌های دشمن در طرح تفرقه میان نیروهای انقلاب همچنان نظام اسلامی را حفظ کنند. وحدتی که در سال‌های جنگ نمونه‌ی دیگری از کار تشکیلاتی را در جبهه‌های هشت سال دفاع مقدس به نمایش گذاشت و این بار دشمن بعثی را با تمام حمایت‌های جهانی با بن‌بستی ناگزیر مواجه و به عقب‌نشینی وادار کرد.

فصل دوم:

اندیشه های تشکیلاتی امام خامنه ای (ره)

مقام معظم رهبری از جمله افرادی است که نه تنها شخصا تجربه کار تشکیلاتی از قبل از انقلاب اسلامی و بعد از آن را دارد بلکه با هدایت ها و ارشادهای داهیانه خود توصیه های اکید می کند که در زمینه کار تشکیلاتی که ایشان آن را یک فریضه می دانند، کار شود. لذا در ادامه تعدادی از بیانات ایشان در زمینه کار تشکیلاتی از نظر خواهد گذشت^{۱۰}:

^{۱۰} به منظور مطالعه مفصل تشکیلات در نگاه مقام معظم رهبری کتاب «کار باید تشکیلاتی باشد» که توسط موسسه فرهنگی شهید احمد کاظمی چاپ شده است، معرفی می شود. لازم به ذکر است که مطالب این قسمت هم از آن کتاب گرفته شده است.

هیچ کاری بدون تشکیل پیش نمی‌رود

معظم له در صحبت های خود چنین می فرمایند: «تشکیلات یکی از فرایض هر گروه مردمی است که یک هدفی را دنبال می کنند. تشکیلات یعنی نظم، یعنی ارتباط و اتصال و زنجیره‌یی کارکردن؛ این معنای تشکیلات است. این چیزی است که نه فقط بد نیست؛ بلکه یک چیز خوب و بلکه یک چیز ضروری است. هیچ کاری در دنیا بدون تشکیلات پیش نمی‌رود. انقلاب اسلامی ایران هم بدون تشکیلات پیش نرفت و پیروز نشد»^{۱۱}.

در جایی دیگر ضمن تبیین ضرورت سازماندهی و کار تشکیلاتی می گویند: «بدون سازماندهی، بدون تشکیلات، مدیریت امکان ندارد و کار هم پیش نمی‌رود. نخیر، بنده معتقد به نظم سازمانی هستم؛ اما معتقدم که این نظم سازمانی نباید ما را از هویت خودمان خارج کند.

باید توجه داشته باشید که در همه کار، ساز و کار تشکیلاتی و اداری نقش مهمی دارد. این نه به معنای گم شدن در هفت توی بوروکراسی و دیوان سالاری است، بلکه به معنای بودن تشکیلات، بودن مسئول و وجود یک مرکز فکر است.

من در دو، سه سال قبل از این، با یکی از فضلاء عالی مقام - که واقعاً قلباً به ایشان ارادت دارم؛ خیلی خوشفکر و نوآور هم هستند - همین

^{۱۱} مصاحبه با روزنامه اطلاعات ۱۳۶۰/۱۱/۲۷

نکته را مطرح کردم و گفتم شما تعدادی از این فضلا و محققان را در جایی از قم جمع کنید و به آنها کار تحقیقی بدهید و بودجه‌ی هم برایش بگذارید؛ اما تعقیب نشد و متأسفانه این کارها انجام نمی‌شود! من ایراد ندارم که چرا فلان آقا این کار را نکرده؛ معلوم است که این کارها فردی انجام نمی‌گیرد؛ این کارها تشکیلات و مدیریت تشکیلاتی لازم دارد.

نکته‌ی دیگر، کار جمعی، تعاون و همکاری با یکدیگر و همت بلند است. کودکان و همچنین جوانان را از آغاز عادت بدهیم که با همت بلند نگاه کنند. مسائل گوناگونی وجود دارد که اینها را باید در سطح دنیا دید، در سطح جهانی باید مشاهده کرد، نه در سطح منطقه‌ای، چه برسد به این که انسان بخواهد آنها را در سطح کشوری یا در سطح ولایتی و استانی ببیند. مسائلی وجود دارد که اینها را باید در آفاق صد ساله و صد و پنجاه ساله دید، نه در یک افق محدود پنج ساله و ده ساله و کمتر. اینها همت بلند لازم دارد؛ نگاه بلندهمتانه به مسائل گوناگون. این دانش‌آموز یا این دانشجویی که شما امروز دارید تربیت می‌کنید، چند صباح دیگر یک استاد است، یک مدیر فعال است، یک کارشناس برجسته است، یک عنصر مؤثر در حرکت سیاسی جامعه است؛ چند صباح دیگر این وجود مؤثری در جامعه خواهد بود. این را آنجوری تربیت کنید که با این همت بلند بار بیاید.

ما اعتقادمان این است که بهترین راهی و برترین حربه‌ای که می‌تواند این راه را باز کند و هدایت الهی را و هدایت انقلابی را در ذهنها و جان‌ها بنشانند و به میوه بیاورد مثمر کند، یک تشکیلات است یک تهذیب است. این اعتقاد ماست، ما عقیده داریم که اگر چنانچه کسانی بخواهند در خارج از کشور برای انقلاب کار کنند و اینها متشکل نباشند، مجتمع نباشند. نخواهند توانست - از لحاظ کیفیت، از لحاظ کمیت - آن کاری را بکنند که یک گروه متشکل انجام خواهد داد»^{۱۲}.

جبهه فرهنگی انقلاب سازماندهی می‌خواهد

در جایی دیگر مقام معظم رهبری کار جبهه ای را معرفی می‌کنند و می‌فرمایند: «وقتی انسان مقابل خودش را نگاه می‌کند، یک جبهه‌ای می‌بیند. ما در مقابلمان جبهه فرهنگی سیاسی غرب وجود دارد که در دل این جبهه، یک جبهه سرمایه‌داری خطرناک و آدم‌خوار وجود دارد، باز در کنار این جبهه ارتجاع فکری و خوک صفتی در زندگی بشری وجود دارد، سلاطین و این مسئولان و متولیان امور خیلی از حکومت‌ها، زندگی حیوانی‌شان مثل خنک و اهدافشان، اهداف دشمنان و فکشان، فکرهای متحجر، که اینها همه یک مجموعه‌ای را تشکیل دادند در مقابل ما؛ یک جبهه هستند، ما اگر بخواهیم در مقابل این جبهه کار کنیم هم ما باید تنوع داشته باشیم، هم باید ابتکار داشته باشیم، هم باید انگیزه

^{۱۲} اعضای واحد تبلیغات خارج از کشور حزب جمهوری، ۱۳۶۱/۹/۱۸

داشته باشیم، هم باید برنامه داشته باشیم؛ کارمان هدایت شده باشد و این نمی‌شود مگر با تشکیل جبهه. این طرف هم بایستی جبهه تشکیل داد. از افراد و حتی مجموعه‌ها به تنهایی کار بر نمی‌آید، باید یک کار وسیع جبهه‌ای انجام داد، این کار هم جز با حضور مردم امکان ندارد؛ یعنی ابتکارات مردم خیلی از کارها را می‌کند»^{۱۳}.

«این که شما میبینید بنده مسأله‌ی تهاجم فرهنگی را مطرح کردم و گفتم؛ روی آن اصرار ورزیدم؛ راجع به آن حقیقتاً غصّه خوردم و تلاش کردم و باز هم به فضل الهی تلاش میکنم؛ گاهی در ریز مسائل وارد شدم و اگر کسی در این زمینه به من اشکالی کرد، در یک سخنرانی به اشکال او جواب دادم، همه به خاطر این است که چنین میدان و صحنه‌ای را به طور واضح مشاهده میکنم و میبینم که اینها چگونه با استفاده از همان توانی که در خودشان هست، از ضعفهای جمهوری اسلامی استفاده میکنند. عمده‌ی نظر اینها هم سست کردن ایمانها، کور کردن امیدها، متشتت کردن جبهه‌ها و جذب کردن سرمایه‌هاست.

البته این نکته را هم به شما بگویم که اگر خدای ناکرده همگیتان یک وقت بگویید «ما میخواهیم این کار و فعالیت و حضور را ببوسیم و کنار برویم»، عقیده ندارم که این میدان، خالی خواهد ماند؛ نه. عقیده‌ی من این است که بار خدا، زمین نمیماند. بنده از قبل از انقلاب به

^{۱۳} دیدار مقام معظم رهبری با مسئولین بنیاد فرهنگی خاتم الاوصیاء (عج)

طلبه‌ها و رفقای جوانی که با من بودند، مکرر در مکرر می‌گفتم این را شما بدانید که وقتی اراده‌ی الهی تعلّق گرفت، بارِ خدا زمین نمی‌ماند. قرآن، ناطق به این است: «من یرتدّ منکم عن دینه فسوف یأتی الله بقوم یحبّهم و یحبّونه»^{۱۴} خدا دست دیگری، پشت دیگری و بر و دوش و بازوی سبّی دیگری را مأمور برداشتنِ این بار و حمل آن خواهد کرد. ولی بالاخره، کار به تأخیر می‌افتد. در این شکی نیست که وقتی ما بخواهیم باری را بر زمین بگذاریم، تا دیگری بیاید و آن بار را بردارد، وقفه‌ای ایجاد می‌شود. البته، وقفه در راه خدا، نارواست. استفاده از این فرصت و موقعیت هم که خدا به ما داده است تا بتوانیم این بار را برداریم، بزرگ‌ترین کارِ ماست. اصلاً بزرگ‌ترین افتخار این است که خدا ما را بنده‌ی خودش بداند و از ما بخواهد که این بار را برداریم. لذاست که من عرض می‌کنم: شما باید تلاش کنید تا جبهه‌ی خودی و آن جمع سیصد و سیزده نفری بدرِ کبرایِ امروز، سایش پیدا نکند»^{۱۵}.

حل شدن در جمع

از جمله ویژگی‌های مهم کار جمعی در بیان مقام معظم رهبری، حل شدن فرد در جمع است. در این باره ایشان می‌گویند: «یک کار تشکیلاتی، یک کار جمعی، خصوصیتش این است که فرد باید خودش

^{۱۴}سوره مائده، آیه ۵۴

^{۱۵}بیانات مقام معظم رهبری در دیدار هنرمندان و مسئولان فرهنگی کشور، ۷۳/۴/۲۲

را در جمع حل کند، گم کند؛ که این گم کردن عین باز یافتن به نحو درست است. چیزی کم نمی‌شود از آدم، چیزها افزوده می‌شود. من مثال می‌زنم به آن لیوان آبی که داخل آن یک حبه قند را شما می‌اندازید. این حبه قند یک چیز مشخصی است، به قدر خودش شیرینی دارد. وقتی در (لیوان آب) انداختی، تمام است، یعنی یک دانه از این ذرات ریزی که زیر داندان می‌آمد و صدا می‌کرد و خودش را نشان می‌داد که هان! منم؛ یک دانه از اینها باقی نمی‌ماند، تمام حل می‌شود در آب.

در آنجایی که قبل از آن یا بعد از آن، ده حبه قند دیگر هم حل شده. اما به نظر شما از این حبه قند یک ذره اش از بین رفت؟ هیچ چیز از آن از بین نرفته است. این قند یک ذره کم نشد، بلکه یک خورده به آن زیاد شد. زیرا آن مقدار شیرینی که در این قند بود آن ریخته شد با شیرینی‌های دیگری که در قند‌های دیگر بود و در تمام اجزای این آب حل شد، سرایت پیدا کرد، چیزی هم از آن کم نشده، اما آن تشخیص خودش را از دست داده، آن فردیت خودش را از دست داد؛ یک تشکیلات باید این جور باشد.. شکل کامل یک تشکیلات درست، این جوری است که فرد در جمع، حل بشود. این شکل درست تشکیلات است. البته کاری است در اصل آسان، اصلاً انسان این جوری است، اما در تجربه و عمل ما که پنجاه سال در اختناق رضاخانی و

محمدرضا خانی گذراندیم و اگر خود ما هم این پنجاه سال را با وجودمان لمس نکردیم، اما فرهنگش برای ما به ارث مانده است. ما بر اثر این تجربه طولانی حکومت مطلقه در ایران، در این پنجاه سال اخیر و البته در قبل از آن در ۲۵۰۰ سال اخیر، محکوم به نوعی فرد گرایی شدیم. البته شرقی ها کلا فرد گرایند، از قدیم تاریخ شرق، یک تاریخ فردگرایی است. هنر شرق، موسیقی شرق، آهنگ شرق، ورزش شرق، آهنگ دسته جمعی آن طرف ها هست، انجا نیست، ورزش دسته جمعی انجا هست، اینجا ورزشش کشتی است، مثلا آنجا ورزشش والیبال است، فوتبال است مثلا هنرهای گذشته، موسیقی، آن آهنگ دسته جمعی و یک ارکستر مثلا با همه انواع و اقسام و یک آواز برآمده ی از چندین حنجزه یا چندین دست، این در هنر شرق نیست. اینها اگر هست خیلی کمیاب است. در هر حال شرقی ها یک نوع فردگرایی در تاریخشان هست. اسلام البته درست، نقطه ی مقابل این عمل کرده است. اسلام همه چیز را جمعی دارد، حتی عبادت. می دانید عبادت یعنی شخصی ترین کار آدم، کار آدم با خدا که هیچ ارتباط به کارهای معمولی دنیوی و همکاری و تعاون ندارد دیگر، رابطه ای ست بین انسان؛ آن عبادت نوع نیایش و تقدیست را می گویم، نه مفهوم عام عبادت، همین عبادتی که در ذهن مردم هم بیشتر هست؛ این یک رابطه انسان است با خدا. همین را اسلام می گوید دسته جمعی انجام بدهید؛

نماز جماعت، حج و... به هر حال ما از این روح جمعی اسلام دور
ماندیم»^{۱۶}.

^{۱۶} دغدغه های فرهنگی: شرح مزجی یکی از بیانات محوری مقام معظم رهبری در سال ۱۳۷۳

با استفاده از دیگر بیانات معظم له، صفحه ۱۴۵

فصل سوم:

اندیشه های تشکیلاتی شهید بهشتی (ره)

شهید بهشتی را باید از زمره روحانیون پیشگام و موثر در مبارزات انقلاب اسلامی به شمار آورد که از همان ابتدای جوانی معتقد به سازماندهی و تشکیلات بود. شهید بهشتی از همان زمانی که فعالیتهای فکری، فرهنگی و سیاسی خود را شروع کرد بر این باور بود که بدون داشتن یک تشکل نمی توان به نتیجه دلخواه و قابل قبول دست یافت.^{۱۷} وی که فعالیتهای سیاسی و فرهنگی خود را تقریباً از اوایل دهه ۱۳۳۰ شمسی شروع کرد، همیشه بر این نکته پافشاری می کرد و با براه

^{۱۷} به منظور آشنایی بیشتر با اندیشه های تشکیلاتی شهید بهشتی کتاب «حزب جمهوری اسلامی،

گفتارها، گفتگوها، نوشتارها» اثر شهید بهشتی توصیه می شود.

انداختن تشکلهای و کانونهای متعدد در طول دوران مبارزات انقلابی اش عملاً نیز نشان داد که به کار تشکیلاتی اعتقاد دارد^{۱۸}.

از آنجا که از دیدگاه شهید بهشتی هیچ کار بزرگی بدون تشکیلات به هدف نمی رسید، لذا در اغلب سخنرانیها و جلسات به مخاطبان خود توصیه می کرد که برای به ثمر رساندن فعالیتهای خود از این امر مهم غفلت نورزند. برای آشنایی بیشتر با این تفکرات شهید بهشتی به سخنان خود وی استناد می کنیم؛ در جایی در رابطه با اهمیت سازماندهی و تشکیلات در مبارزات انقلابی گفته بود: «ما برای اینکه بتوانیم کارهای بزرگی را انجام دهیم، بی شک باید متشکل باشیم. رابطه های ایمانی، اعتقادی، علمی و دینی سازمان نیافته برای رسیدن به بخشی از اهداف و تحقق بخشیدن به قسمتی از مراحل یک انقلاب می تواند کافی باشد؛ ولی برای رسیدن به بخشی دیگر از اهداف و تحقق بخشیدن به آن قسمت دیگر از آرمانهای یک انقلاب کافی نیست... ما همچنان بر داشتن یک تشکل پافشاری داریم. اما شرایط آن این است:

۱. تشکل باید پاسدار ارزش ها باشد، نه پاسدار خود. نگهبان

ارزش ها باشد، نه نگهبان خود.

۲. تشکل باید سازنده ما، آسان کننده خود سازی برای ما و

کمکی به «سیر الی الله» برای شرکت کنندگان در تشکل باشد.

۳. شرط سوم، این که این تشکیلات به درد مردم بخورد، نه این

^{۱۸} مهدی احمدی اختیار، گرفته شده از سایت راسخون، www.rasekhoon.net

که یک باری باشد بر دوش این جامعه.^{۱۹}

شهید بهشتی در ادامه ضمن توصیه های خود برای انجمن های اسلامی سازمان بهزیستی می فرمایند: «ارتباطان را قوی تر کنید؛ وقتی یک عده در اقلیت هستند، باید بکوشند تا به کمک ارتباطات گسترده، یک جمع بزرگتر شوند. وقتی که همه یک جا جمع هستید، احساس دلگرمی و قدرت بیشتر می کنید» همچنین در ادامه این سخنرانی به انجمن ها توصیه می کند که به جذب عناصر جدید حتی از گروه های مخالف پردازند. در ادامه می افزاید: «یکی دیگر از توصیه ها انضباط است؛ هر کار دست جمعی که انجام می دهید باید همراه باشد با انضباط تشکیلاتی»^{۲۰}. این سخنان علاوه بر این که نشانگر مدیریت و تدبیر وی در امور می باشد، حاکی از وسعت دید و سعه صدر ایشان نیز می باشد. چرا که به مخاطبان خود توصیه می کند که حتی اگر در میان منتقدان و مخالفان خود نیز انسان های شایسته ای را مشاهده کردند به طرف خود جذب کنند و از آنها در پیشبرد امور استفاده نمایند.

البته شهید بهشتی در هر جا که به لزوم ایجاد تشکل و سازماندهی توصیه کرده، به ویژگیها و شرایط تشکل مورد نظر خود نیز اشاره نموده

^{۱۹} حزب جمهوری اسلامی، گفتارها، گفتگوها، نوشتارها، شهید محمد حسینی بهشتی، صفحه

۲۱۱ و ۲۱۲

^{۲۰} سخنرانی شهید بهشتی در جمع نمایندگان انجمنهای اسلامی سازمان بهزیستی کشور، ۱۳۶۰

است. این بدین معناست که صرف ایجاد تشکل بدون رعایت موازین اسلامی و اخلاقی مورد تایید او نبود. به همین جهت هم هست که همیشه یک منشور اسلامی - اخلاقی را در زمان ایجاد تشکلهای به همکاران و یا مخاطبان خود توصیه می کند. در سطور گذشته به چند مورد از شرایطی را که از نظر شهید بهشتی لازمه هر تشکلی بود، اشاره شد. در اینجا نیز به مواردی اشاره می شود که ایشان برای موفقیت در کارهای تشکیلاتی توصیه می کند^{۲۱}:

۱- ایمان هرچه قوی تر به آرمان تان و به کارتان؛ نگذارید این ایمان در شماها خدای ناکرده پژمرده و ضعیف شود. این ایمان باید روز به روز تقویت گردد.

۲- برنامه های عملی ای که در آن، تفوق و برتری کارکرد ساختار اسلامی و نیروهای مؤمن به چشم بخورد؛ باید به گونه ای باشد که این خواهر مسلمان و برادر مسلمان ما که از یک هم سن و هم کلاسی و هم رتبه ای غیرمسلمانش در مقام عمل دینی صالح تر است، در مقام عمل اجتماعی نیز سودمندتر باشد. اگر عمل شما به حال مردم سودمند واقع شود، ماندنی خواهید بود. این بیان قرآن است. «فاما الزبد فیذهب جفاء و اما ما ینفع الناس فیمکث فی الارض»^{۲۲} [کف می رود و آنچه برای انسانها

^{۲۱} همان

^{۲۲} سوره رعد، آیه ۱۷

سودمند است می‌ماند. [سودمندی بیشتر ما باعث پیروزی ماست. به همین جهت در خودسازی فردی و جمعی انجمن‌هایتان باید طوری برنامه‌ریزی کنید که در صحنه خدمت به مردم بدرخشید؛ نه برای تعریف مردم بلکه برای خدا.

۳- ارتباط‌تان را قوی کنید؛ وقتی یک عده در اقلیت هستند، باید بکوشند تا به کمک ارتباطات گسترده، یک جمع بزرگتر شوند. وقتی که همه یک‌جا جمع هستید، احساس دلگرمی و قدرت بیشتر می‌کنید.

۴- جذب عناصر جدید؛ گاهی دافعه خیلی قوی است اما جاذبه چندان قوی نیست. مسلمان، هم دافعه دارد و هم جاذبه. شما باید جاذبه‌تان زیاد باشد. باید کلامتان و رفتارتان چنان باشد که اطرافیان‌تان را یکی یکی جذب کنید. اصلاً باید برنامه داشته باشید برای جذب آنها. مبدا فکر کنید که اینهایی که با ما مخالف هستند دیگر کارشان خراب است و درست‌شدنی نیستند. خیر، انسان تغییر می‌کند. خیلی‌ها آدم‌های خوبی هستند، می‌لغزند و بد می‌شوند. خیلی‌ها آدم‌های بدی هستند و در اثر ارشاد و معاشرت خوب می‌شوند. تعالیم اسلام یادتان نرود. اسلام می‌گوید تا آخرین لحظات حیات، در توبه باز است.

۵- انضباط؛ هر کار دسته‌جمعی‌ای که انجام می‌دهید باید همراه باشد با انضباط تشکیلاتی. بچه مسلمان‌ها به انضباط مقدار کمی بها می‌دهند. باید یک مقدار به انضباط بیشتر بها بدهیم. اما نظم فرعونی نه؛ زیرا نظم

گاهی فرعونی و طاغوتی است. نظم ما باید الهی، سازنده و نورانی باشد.

۶- شناسایی و کشف استعدادها؛ کشف عناصر مدیر و به درد بخور که بتوانند پستهای کلیدی و مؤثر را با لیاقت اداره کنند. این خیلی مهم است. گاهی ما یک فرد متدین و خوبی را می‌گذاریم رأس کاری ولی چون توانایی‌اش ضعیف است، اثر بدی می‌گذارد. شما باید مدیرهای مومن و متعهد ۱۰ سال آینده را هم کشف کنید و هم بسازید.

۷- معلوماتان را ببرید بالا. مطالعاتتان باید اسلامی باشد، فنی هم باید باشد. هر کدام از شما وظیفه‌ی شرعی‌تان است که در هفته یک مقدار روی رشته خاص خودتان مطالعه‌ی فنی کنید، طوری که کاردانی و کارایی فنی شما رو به افزایش پیگیر و مستمر باشد.

۸- شیوه‌های صحیح برخورد با دشمن و مخالف را یاد بگیرید؛ گاهی برادرها و خواهرها با جریانهای مخالف می‌خواهند برخورد کوبنده داشته باشند اما طرز برخورد آنها طوری است که در جامعه محکوم می‌شوند. شیوه‌های برخورد باید صحیح باشد. باید درباره این شیوه‌های برخورد بنشینید و تبادل نظر کنید.

۹- انتقاد از خویشان؛ من نمی‌دانم آیا هیچ وقت دور هم جمع می‌شوید بگوئید این یک هفته نقایص و عیب کارم این بود. این کار را می‌کنید یا خیر؟ (پاسخ حاضران: خیر!) خوب، شروع کنید! هیچ اشکالی ندارد.

«المؤمن مرآت المؤمن» یعنی چه؟ برادر و خواهر مسلمان باید آینه‌ی یکدیگر باشند. آینه یکی از کارهایش این است که عیب‌های آدم را می‌گوید. بنابراین هر هفته‌ای، دو هفته‌ای، یک ساعت دور هم بنشینیم با روی باز و گشاده‌رویی هر کسی اول عیب‌های خودش را بگویند بعد آنهایی که جا می‌ماند دیگران بگویند، بعد هم عیب جمعمان را بگوئیم.

۱۰- امید کامل به آینده؛ هیچ مسلمانی حق یأس و ناامیدی ندارد. مسلمان سراپا امید است. آدمهایی که ایمان به خدا ندارند آنهایی هستند که از گشایش‌آفرینی خدا در تنگناها مأیوس می‌شوند. انسانهای مؤمن همیشه باید امیدوار باشند. آنقدر قرآن و اسلام به ما تعلیم می‌دهد که نه با یک غوره سردی‌تان بشود و نه با یک مویز گرمی‌تان. یکروز بالا و یکروز پایین، یکروز جلو و یکروز عقب. تا شما یکدفعه ضایعه اگر برایتان پیش آمد زود دچار تاسف نشوید و اگر هم خدا یک نعمت به شما داد و یک پیروزی، زود از شادی خودتان را نبازید. در هر دو حالت باید صبور باشید. امیدوارم که با چنین امیدی و با چنان ایمانی و چنین عمل صالحی، موفق باشید که پایه‌های اداره قاطع نظام اسلامی را بر فراز اسلام محکم تر کنید.

یادداشت

[illegible]

امام خامنه ای (مدظله العالی):

هیچ کاری در دنیا بدون تشکیلات پیش نمی رود.
انقلاب اسلامی ایران هم بدون تشکیلات پیش نرفت
و پیروز نشد.



#با_ما_همراه_باشید...

MEZMAR.IR